



اقتصاد ایران اسیر اخلاص‌های سیستماتیک

محسن رناتی
اقتصاددان

سخن ما در باب اقتصاد سیاسی، فضای کسب و کار و تاثیر آن بر فعالیتهای اقتصادی است. ابتدا با تعریف اقتصاد سیاسی شروع می‌کنیم. تمامی متغیرهایی که اقتصادی نیستند اما پیامدهای اقتصادی دارند وقتی وارد نگاه تحلیلی شود نوعی نگاه اقتصاد سیاسی به مساله می‌دهد، یا وقتی تعامل متغیرهای اقتصادی را مد نظر قرار می‌دهیم و اثرش را روی متغیرهای کلان سیاسی می‌بینیم متوجه می‌شویم موضوع از جنس اقتصاد سیاسی است. بنابراین بحث امروز ما در این باب است که تعامل چه متغیرهای سیاسی و اقتصادی محیط کسب و کار ایران را مخدوش و مبهم کرده است. محیط کسب و کار شاخص‌های شناخته‌شده و شفاف دارد و محاسبه هم می‌شود، اما در ایران هنوز تفکیک روشنی بین محیط عمومی کسب کار که فضای روانشناختی و اجتماعی را در زندگی اقتصادی شکل می‌دهد با متغیرهای نهادی و فنی کسب و کار، نشده است.

انواع محیط کسب و کار

دو نوع محیط کسب و کار وجود دارد، یکی محیط عمومی، کلان و روانی کسب و کار که به آن فضای کسب و کار یا فضای سرمایه‌گذاری می‌گوییم، دیگری محیط نهادی، فنی و قانونی کسب و کار که به آن محیط کسب و کار می‌گوییم. بانک جهانی برای محیط کسب و کار ده شاخص مشخص کرده است. این شاخص‌ها به‌طور ادواری برای کشورهای مختلف ارزیابی و منتشر می‌شود. همان شاخصی که ایران بین ۱۴۰ و ۱۴۴امین کشور معمولاً در نوسان است. ده شاخص محیط کسب و کار، شرایط نهادی و قانونی مربوط به ثبت و شروع کسب و کار تا انحلال آن را توصیف می‌کند. این شاخص‌ها مواردی مثل ثبت موسسه، تامین اعتبارات، حمایت از حقوق مالکیت سهام‌داران، شرایط انحلال، حمایت قانونی در دستگاه دادگستری، سهولت تجارت خارجی، نظام مالیاتی و نظایر این‌ها را در بر می‌گیرد که از نظر این شاخص‌ها، ایران در میان کشورهای جهان فعالاً رتبه صد و چهل و چهارمین را داراست. این محیط فنی و نهادی کسب و کار خیلی دیر و به‌تدریج قابل اصلاح است یعنی نیازمند این است که عملکرد قانون و نهادها، خیلی تدریجی اصلاح شود. مثلاً در دوره آقای احمدی‌نژاد نسبت به دوره آقای خاتمی تنزل داشته است، اما خیلی شدید نبوده است، زیرا ساختارهای قانونی به همان وضع سابق است و تغییر کمی در آن به‌وجود آمده است. اما در فضای کلان عمومی کسب و کار یا همان فضای سرمایه‌گذاری با

تغییر مثلاً دولت هشتم به نهم یا تغییر دولت دهم به یازدهم خیلی تغییر به‌وجود آمده است. بنابراین این دو را باید تفکیک کرد. در این بحث ما بر ساحت فضای کسب و کار یعنی محیط عمومی و متغیرهای کلان و روان‌شناختی کسب و کار تاکید می‌کنیم و عوامل ساختاری که در نظام اقتصاد سیاسی ایران، این فضا را برهم می‌زند ریشه‌یابی می‌کنیم.

ده شاخص نهادی که بانک جهانی برای اندازه‌گیری محیط کسب و کار معرفی کرده و استفاده می‌شود شامل: شروع کسب و کار، دریافت مجوز، ثبت مالکیت، دریافت اعتبار، حمایت از سهام‌داران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، بهره‌برداری از انرژی برق، الزام‌آور بودن قراردادهای و انحلال فعالیت‌هاست. ما در بحث امروزمان محیط کسب و کار را رها کرده و بر فضای عمومی کسب و کار متمرکز خواهیم شد. مثلاً اگر فضای سیاسی کشور آشفته شود، فضای عمومی کسب و کار در ابهام فرو خواهد رفت و نامطمئن می‌شود، یا وقتی مناسبات به علت خاصی با خارج به هم می‌ریزد، با اینکه در متغیرهای نهادی مثل نظام بانکی، دادگستری و... تغییری رخ نداده است، اما فضای روانی به هم می‌ریزد. یا اگر اعتصاب شود فضای کسب و کار مخدوش می‌شود. مثلاً چند ماه قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری همه چیز مبهم بود، هیچ‌کس نمی‌دانست چه کسی کاندیدا می‌شود و چه کسی تایید خواهد شد؟ چه کسی رای خواهد آورد؟ و بعد چه خواهد شد؟ در ایام پیش از انتخابات برخی سرمایه‌گذاران که با من مشورت می‌کردند نهایتاً می‌گفتند ما تا بعد از انتخابات صبر می‌کنیم ببینیم چه خواهد شد، یعنی سرمایه‌گذار شش ماه صبر می‌کند تا نتیجه انتخابات مشخص شود. این به‌هم‌ریختگی است، درحالی که محیط نهادی کسب و کار عوض نشده، دادگستری همان است، قوانین همان است، بانک‌ها همان است. اما فضای عمومی کسب و کار و یا فضای سرمایه‌گذاری مبهم شده است. تا زمانی که فضای سرمایه‌گذاری بهبود پیدا نکند و به شرایط باثبات و اطمینان‌بخش نرسد، تغییر شاخص‌های محیط فنی و نهادی کسب و کار خیلی بر عملکرد اقتصاد اثر نمی‌گذارد. وقتی تغییر محیط نهادی اثرگذار است که فضای سرمایه‌گذاری فضایی مطمئن یا دست‌کم فضایی ریسکی باشد، اما نامطمئن و مبهم نباشد.

پس در شرایط کنونی اقتصاد ایران، شاخص‌های محیط فنی و نهادی کسب و کار معیاری درجه دو محسوب می‌شوند، مسائل اصلی امروز در فضای اقتصاد ما، مسائل سیاسی، روانی و عمومی کسب و کار هستند که فضای سرمایه‌گذاری را می‌سازند. گرچه هر دو شاخص برای ما مسئله‌ساز است، اما

تا زمانی که فضای سرمایه‌گذاری بهبود نیابد بهبود محیط فنی کسب و کار اثری بر سرمایه‌گذاری و تحولات اقتصادی نخواهد داشت. البته فضای سرمایه‌گذاری را گاهی با یک تحول سریع می‌توان تغییر داد، اما محیط نهادی کسب و کار را نمی‌توان سریع تغییر داد. مثلاً قوانین و دادگستری را نمی‌توان سریع تغییر داد اما فضای سرمایه‌گذاری گاهی به‌سرعت قابل تغییر است، حتی با تغییر یک فرد ممکن است فضا عوض شود. با تغییر یک گفت‌وگو فضای سرمایه‌گذاری عوض می‌شود. بنابراین تفاوت این دو این است که محیط نهادی و فنی خیلی زمان‌بر و تدریجی عوض می‌شود اما فضای سرمایه‌گذاری با یک تغییر جهت سیاسی هم عوض خواهد شد. پس در ایران اول باید متمرکز بشویم بر فضای سرمایه‌گذاری، مسئله محیط فنی و نهادی کسب و کار، مسئله دوم ما است.

سه سطح فضای سرمایه‌گذاری

فضای سرمایه‌گذاری را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد: سطح اطمینان، سطح ریسک و سطح عدم اطمینان. سطح اطمینان چیست؟ فرض کنید می‌خواهید با کسی معامله کنید، همه چیز قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی است. این معامله در فضای اطمینان رخ می‌دهد، هیچ ریسکی وجود ندارد یا حداقل شما در هنگام معامله خطری حس نمی‌کنید. ممکن است برای شما مخاطره ایجاد شود اما اکنون که در حال معامله هستید با اطمینان پیش‌بینی انجام می‌دهید. به این فضا، فضای اطمینان گفته می‌شود. اوایل انقلاب در بسیاری از معامله‌ها نه چکی رد و بدل می‌شد و نه ضمانتی گرفته می‌شد و بعد دائماً این فضا پیچیده‌تر شد. امروز حتی بزرگ‌ترین شرکت‌ها هم ابتدا باید از بانک‌ها ضمانت‌نامه بانکی بگیرند تا بتوانند معامله کنند. اگر این فضای اطمینان وجود داشته باشد خیلی عالی است اما در بیشتر کشورها به ندرت فضای اطمینان حاصل می‌شود. سطح دوم فضای ریسک است. فضای ریسک چیست؟ فضایی است که شما می‌دانید ممکن است تغییراتی رخ دهد و می‌دانید این تغییرات احتمالاً چه خواهند بود، اما مقدار دقیق آن تغییرات را نمی‌دانید. مثلاً هنگام رانندگی می‌دانید پلیس در این خیابان هفته‌ای یک روز حضور می‌یابد، اما نمی‌دانید چه روزی. پس هم خطر را (حضور پلیس) و هم دامنه خطر را (هفته‌ای یک روز) می‌شناسید و برنامه‌ریزی‌هایتان را بر اساس چنین ریسکی انجام می‌دهید. در فضای ریسک مشکل خاصی ایجاد نمی‌شود، شما تصمیم‌گیری می‌کنید اما خطر ریسک را در محاسباتتان وارد می‌کنید. سرمایه‌گذار وارد بورس می‌شود و می‌داند بر اساس عملکرد گذشته، ممکن است بورس پنج درصد نوسان

در ایران آنچه مساله اساسی است فضای سرمایه‌گذاری است نه محیط کسب و کار یعنی فضای سرمایه‌گذاری به حالت ریسک و سپس از ریسک به حالت عدم اطمینان سوق پیدا کرده است. این رفتارها فضای سرمایه‌گذاری را از حالت ریسک به حالت نااطمینانی تبدیل کرده و اصولاً تصمیم‌گیری عقلانی را مختل کرده است

و عدم اطمینان‌های تصادفی می‌تواند سیستم را ارتقا دهد. اما وقتی یک عامل تخریب منظم درون سیستم وجود دارد دیگر سیستم نمی‌تواند خودش را ارتقا دهد و دائماً انرژی‌اش را از دست می‌دهد. مثل اینکه یک غده چرکی دائماً در بدن تولید چرک کند، بدن آرام آرام انرژی‌اش را از دست می‌دهد و ضعیف می‌شود. اما اگر فرد زمین بخورد و دستش زخم شود و سپس چرک کند و بعد خوب شود، این باعث ارتقای سیستم می‌شود. عدم اطمینان‌های سیستماتیک یعنی در درون سیستم مراکز تولید آشوب وجود دارد. سیستم یعنی نظم و ضد سیستم یعنی آشوب یا آنتروپی. وقتی سیستم مراکز پیدای می‌کند که به‌طور منظم آشوب ایجاد می‌کند، یعنی در سیستم دائماً آنتروپی و بی‌نظمی افزایش پیدا می‌کند.

اکنون پرسش این است که عواملی که منجر به تولید سیستماتیک عدم اطمینان در فضای سرمایه‌گذاری می‌شود چیست؟ بخشی از آن به ریشه‌های فکری باز می‌گردد، یعنی بعضی از پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های فکری در تصمیم‌گیری افراد هست که غلط هستند، اگر هم درست است کارکردش ایجاد عدم اطمینان است. مثلاً اگر پیش‌فرض این باشد که هر سرمایه‌داری که سرمایه‌اش از بیست میلیارد تومان بیشتر باشد حتماً فساد دارد، نگاه نحوه برخورد با این سرمایه‌گذار این است که شما دائماً برایش عدم اطمینان پیش‌بینی نشده ایجاد می‌کنید. این رفتارها فضای سرمایه‌گذاری را از حالت ریسک به حالت نااطمینانی تبدیل کرده و اصولاً تصمیم‌گیری عقلانی را مختل کرده است. همه سیاست‌گذاری‌های ما زمانی جواب می‌دهند که بازیگران اقتصادی ما عقلانی تصمیم بگیرند. اگر ما شرایط را به گونه‌ای فراهم کنیم که نتوانند عقلانی تصمیم بگیرند، هرچه وام داده شود اشتغال ایجاد نمی‌کند. هرچه قیمت ارز بالا رود صادرات افزایش نمی‌یابد. قیمت ارز سال گذشته سه برابر شد اما صادرات ده درصد هم افزایش نیافت. بنابراین سیاست‌های اقتصادی متوقف می‌شود، زیرا این توصیه‌ها برای زمانی است که اصولاً آدم‌ها بتوانند عقلانی تصمیم بگیرند و عقلانیت زمانی است که فضا کاملاً عدم اطمینان نباشد و حداقل ریسکی باشد. پس عامل اصلی خطای سیستماتیک پیش‌فرض‌ها و فکرها غلط ما است. عامل دوم فساد اداری است. وقتی فساد هست یعنی همه قوانین قابل نقض هستند و وقتی همه قوانین قابل نقض باشند، به قوانین نمی‌شود اعتماد کرد. اگر از سران کشور بخواهید که سه اولویت ملی را بنویسند، اگر سه اولویت اول همه آنها مثل هم بود و همه آنها به آن اولویت‌ها در قوف و در عمل پایبند بودند یعنی ما یک حکومت واحد داریم، اما اگر اجصال در مورد اولویت‌های اول ملی وجود نداشت منابع کشور بین اهداف متعدد پخش می‌شود که گویی با یک سیستم بی‌هدف روبه‌رو هستیم. در دنیای کمیابی، اهداف بسیار یعنی بی‌هدف بودن.

بنابراین در ایران آنچه مساله اساسی است فضای سرمایه‌گذاری است نه محیط کسب و کار. یعنی فضای سرمایه‌گذاری ما از حالت اطمینان به حالت ریسک و سپس از ریسک به حالت عدم اطمینان سوق پیدا کرده است. یعنی در ساختار سیاسی اقتصادی ما اختلال‌های سیستماتیک تولید می‌شود نه اختلال‌های تصادفی. و نکته آخر این که اصلاح اختلال‌های سیستماتیک نیازمند بازنگری و اصلاح در ساختارها و کلان‌تر از آن در ساختار نظام سیاسی است.

سخن پایانی

اگر ایران تنها کشوری در دنیاست که چهل سال مداوم، جز یک سال، تورم دو رقمی داشته است، یکی از عوامل اصلی‌اش همین نامطمئن بودن فضای سرمایه‌گذاری است. و البته تا زمانی که این اختلال‌های سیستماتیک و نااطمینانی مستمر بر اقتصاد ایران سایه افکنده است، بذر توسعه جوانه نخواهد زد. توسعه غنچه‌ای است که در باغچه ثبات و با آب «سرمایه اجتماعی» و با گرمای امید به آینده و زیر نور قوانین شفاف و کارآمد خواهد شکفت. عدم اطمینان، تمام این پیش‌نیازها را نابود می‌کند. کاهش عدم اطمینان در جامعه ایران، پیش شرط ورود به وضعیت صفر توسعه در ایران است.

* سخنرانی منتشر نشده محسن رنایی در همایش ملی توسعه پایدار

کشورها و در همه اقتصادها عوامل تصادفی وجود دارند. مثلاً یک حادثه طبیعی رخ می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی را به هم می‌ریزد، این عدم اطمینان است، قابل پیش‌بینی نبودن، برنامه‌های سرمایه‌گذار را به هم می‌ریزد. یکی از تعاریف توسعه این است که، توسعه یعنی حرکت جامعه به سمتی که بخت‌آزمایی‌هایی طبیعی و بخت‌آزمایی‌های اجتماعی به حداقل برسد. به تعبیر آمارتیا سن، فرصت‌ها و توانایی‌ها افزایش پیدا می‌کند. اگر از تعابیر آریایا برلین استفاده کنیم باید بگوییم توسعه یعنی شرایطی که در آن به‌طور مداوم آزادی مثبت یا ایجابی و آزادی منفی یا سلبی بهبود پیدا می‌کند. اما به زبان اقتصادی، بخت‌آزمایی‌ها و نبود اطمینان‌های طبیعی و اجتماعی، کاهش پیدا می‌کند. پس بخت‌آزمایی‌های تصادفی در همه کشورها وجود دارد. آنچه که مشکل‌ساز است نبود اطمینان‌های سیستماتیک است، یعنی این که جزئی که نااطمینانی تولید می‌کند خودش بخشی از خود سیستم باشد که قرار است به نظم سیستم کمک کند. برای مثال اگر در خودرو وسیله‌ای تعبیه شده باشد که کار آن ایجاد مشکل باشد، مثلاً در روند بنزین مشکل ایجاد کند می‌گوییم نوعی اختلال سیستماتیک دارد. نبود اطمینان سیستماتیک وقتی است که فرآیند بازخورد اطلاعات، به مراکز تصمیم‌گیری متصل شود که این مراکز با اختلال سیستماتیک روبه‌رو هستند. بنابراین به‌طور سیستماتیک اختلال تولید می‌کنند.

اقتصاد ایران اسیر اختلال‌های سیستماتیک

آنچه فضای اقتصادی ما را با مشکل مواجه کرده وجود همین عواملی است که اطمینان را از بین می‌برند و همچنین وجود اجزای اختلال سیستماتیک است. اجزای اختلال تصادفی گاهی اوقات موجب رشد سیستم هم می‌شوند. در نظریه سیستم‌ها، همه سیستم‌های پویا حتماً باید جزء اختلال داشته باشند. مثلاً کودکی که به دنیا می‌آید سالم است اما واکنش به وی زده می‌شود که میکروب تضعیف‌شده است تا بدنش واکنش نشان دهد و پویا شود و پادتن تولید کند و سیستم ایمنی‌اش قوی شود. پس عدم اطمینان‌های تصادفی می‌توانند سیستم را ارتقا بدهند.

مثلاً وقتی شوک قیمت نفت ایجاد می‌شود صنایع آمریکایی ارتقا پیدا می‌کنند. به نظر من یکی از دلایلی که آمریکا تمایل داشت قیمت نفت افزایش یابد این بود که کمک می‌کرد صنایع آمریکایی خودشان را بهبود بخشند. پس گاهی اوقات شوک‌ها

کند. محاسبه می‌کند که میانگین سود چقدر است و درصدی را هم به ریسک اختصاص می‌دهد، اگر میزان سود احتمالی بیشتر از بهره بانکی باشد، می‌آید و در بورس سرمایه‌گذاری می‌کند. در فضای ریسک هم‌چنان عقلانیت بازیگران اقتصادی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی باقی می‌ماند، یعنی عقلانی عمل می‌کنند مثل فضای اطمینان، اما در این حالت هزینه‌های متغیر ریسک را هم وارد محاسباتشان می‌کنند. سطح سوم فضای سرمایه‌گذاری، فضای عدم اطمینان است. فضای عدم اطمینان یعنی اینکه شما نمی‌دانید خطر چیست و مقدار آن را هم نمی‌دانید. در تاریکی مطلق هستید. مثل زمانی که در جاده رانندگی می‌کنید و محاسبه می‌کنید که با چه سرعتی حرکت کنید که پیچ‌ها و دست‌اندازها را به سلامت رد کنید، اما ناگهان پل زیر جاده خراب می‌شود، چیزی که در محاسباتتان وارد نشده است. این همان عدم اطمینان است، ریسک نیست. وقتی فضای سرمایه‌گذاری وارد شرایط عدم اطمینان می‌شود عقلانیت متوقف می‌شود. دیگر نمی‌توانید تصمیم عقلانی بگیرید. پس تصمیم‌گیری متوقف می‌شود، زیرا عقلانیت نمی‌تواند با فرد جلو بیاید. عدم اطمینان، تصمیم‌ها را متوقف می‌کند، البته زندگی متوقف نمی‌شود، سرمایه‌گذار سرمایه‌ها را به بازار ارز می‌برد یا در بانک می‌گذارد، اما دیگر سرمایه را در تولید و کارآفرینی زمین‌گیر نمی‌کند. پس فضای سرمایه‌گذاری وقتی وارد فضای عدم اطمینان می‌شود اصولاً عقلانیت اقتصادی دیگر کار نمی‌کند و تئوری‌ها و توصیه‌های اقتصادی هم فقط در فضای اطمینان و ریسک قابل کاربرد است. توصیه‌هایی که علم اقتصاد می‌کند با فرض این است که فضا یا اطمینان و یا ریسک است. البته در علم اقتصاد تلاش‌هایی می‌شود که عدم اطمینان هم در تحلیل‌ها آورده شود. اما هنوز در همه حوزه‌ها نتوانسته‌ایم تحلیل‌ها را سرایت دهیم. آنچه برای اقتصاد خطرناک و بحران‌زاست این است که فضای سرمایه‌گذاری در فاز سوم قرار گیرد. وضعیتی که امروز در ایران با آن روبه‌رو هستیم، یعنی فضای سرمایه‌گذاری از فضای ریسک هم عبور کرده و وارد فضای عدم اطمینان شده است.

مه‌آلودگی اقتصاد ایران

فرض کنید شما سرمایه‌گذار هستید، همه شرایط را آماده کرده‌اید و می‌خواهید یک پروژه را شروع کنید. این وضعیت مثل این است که اتومبیل خود را سوار شده‌اید و ابتدای جاده ایستاده‌اید و می‌خواهید حرکت کنید. اکنون وجود یا عدم وجود تابلوهای راهنما، دست‌اندازها، پیچ‌های خطرناک و نظایر این‌ها، محیط فنی و نهادهای جاده را تعیین می‌کند. اگر جاده خیلی دست‌انداز داشته باشد یا تابلو نداشته باشد مثل این است که در اقتصاد محیط فنی و نهادهای کسب و کار مشکل داشته باشد، قوانین شفاف نباشد، دادگستری رشوه بگیرد، بانک‌ها سالم نباشند. در این صورت ورود به فعالیت اقتصادی مثل این است که شما اطلاع دارید که جاده دست‌انداز دارد، باید آهسته برانید و می‌دانید اوضاع چگونه است، با آگاهی از این شرایط حرکت خود را شروع می‌کنید. این تمثیل برای محیط کسب و کار است. اما در مورد فضای سرمایه‌گذاری فرض کنید ابتدای جاده ایستاده‌اید و جاده آسفالت دارد، همه علائم رانندگی هم هست، اما جاده کاملاً پوشیده از مه است به‌طوری که فقط تا جلوی خودرو را می‌بینید. اگر مه به گونه‌ای باشد که شما تا فاصله دور را ببینید این فضای اطمینان است. اما اگر مه به گونه‌ای باشد که تا چند صد متر را ببینید این فضای ریسک است یعنی متوقف نمی‌شوید و حرکت می‌کنید اما با ملایمت، چراغ می‌زنید و با مراقبت حرکت می‌کنید. اما اگر مه تا جلوی خودروی شما را گرفته باشد و هیچ چیز نبینید، فضای عدم اطمینان است، در این حالت اگر حرکت کنید ممکن است در دره بیفتید یا دست‌انداز عمیق یا پیچ خطرناک در جلوی شما باشد، اما شما از این شرایط هیچ اطلاعی ندارید. پس در این شرایط شما وارد عدم اطمینان می‌شوید.

عوامل موثر بر فضای عدم اطمینان

اکنون می‌خواهیم ببینیم چه عواملی فضای عدم اطمینان را به وجود می‌آورند. عوامل فضای عدم اطمینان دو دسته هستند، عوامل تصادفی و عوامل سیستماتیک. در همه